

Examining the effect of academic self-concept on students' academic attitude

Faiz Mohammad Allah Yari

Abstract:

To explain the purposeful behavior that takes place during a long period of life, especially during education, the concept of education itself is used. Wherever an experience is compatible with the students' view of themselves, the effects of that experience are used, but when the experience does not match with the person's self-concept, and the effects of the experience become disturbing and unbearable for the person, he withdraws. Based on this, the purpose of the research was determined to investigate the effect of academic self-concept on students' academic attitude. The present research method is practical in terms of purpose; And by its nature, it is descriptive-survey of correlation type. The statistical population of the present study consists of all 10th grade male students of Saravan city who study mathematics, and their number is 110. The sample size was 86 randomly selected using Morgan's table. The research tools are two questionnaires of academic self-concept and academic attitude. The reliability of the questionnaire was obtained through Cronbach's alpha for academic self-concept of 0.96 and academic attitude of 0.83. In order to analyze the data, inferential statistics such as Pearson's correlation coefficient test and regression with SPSS 20 software were used. The results showed that self-concept of education has an effect on students' academic attitude.

Keywords: Academic self-concept, academic attitude, students

بررسی تاثیر خود پنداره تحصیلی بر نگرش تحصیلی دانش آموزان

فیض محمد اله یاری^۱

صص ۲۳ - ۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۷

چکیده

برای تبیین رفتار هدفمندی که در طی دوران طولانی از زندگی به خصوص در زمان تحصیل صورت می گیرد، خود پنداره تحصیلی به کار برده می شود. هر جا تجربه ای با دیدگاه دانش آموزان نسبت به خود سازگاری داشته باشد تأثیرات آن تجربه مورد استفاده قرار می گیرد اما هنگامی که تجربه با خود پنداره فرد مطابقت نداشته باشد و تأثیرات تجربه فوق مضطرب کننده و برای فرد غیرقابل تحمل شده و گوشه گیر می شود. بر این اساس هدف تحقیق بررسی تاثیر خود پنداره تحصیلی بر نگرش تحصیلی دانش آموزان تعیین شد. روش پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی؛ و از حیث ماهیت، توصیفی- پیمایشی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانش آموزان پسر پایه دهم شهر سراوان رشته ریاضی تشکیل می دهند که تعداد آنها ۱۱۰ نفر می باشد. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان و به صورت تصادفی ۸۶ نفر انتخاب شدند. ابزار پژوهش دو پرسشنامه خود پنداره تحصیلی و نگرش تحصیلی می باشد. پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ برای خود پنداره تحصیلی ۰/۷۶ و نگرش تحصیلی ۰/۸۳ بدست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار استنباطی همچون آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون با نرم افزار SPSS ۲۰ استفاده شد. نتایج نشان داد خود پنداره تحصیلی بر نگرش تحصیلی دانش آموزان تاثیر دارد.

کلیدواژه‌ها: خود پنداره تحصیلی، نگرش تحصیلی، دانش آموزان

مقدمه

نگرش از سازه‌هایی است که با توجه به زمینه مورد استفاده آن تعاریف متفاوتی دارد در حوزه روانشناسی و تعلیم و تربیت نگرش دربرگیرنده ابعاد شناختی، ارزشی، عاطفی و کنشی است. بعد شناختی به داشتن باورها یا عقاید آگاهانه اشاره دارد. بعد ارزشی به مثبت یا منفی بودن جهت‌گیری عاطفی فرد معطوف است. بعد عاطفی به زمینه هیجانی و احساسی فرد نسبت به موضوع مورد نظر اشاره دارد و بعد کنشی برجهت‌گیری برای انجام دادن یک رفتار ویژه تأکید می‌کند (مومنی مهموئی و صفدری، ۱۳۹۵).

نگرش عبارت است از تمایلات یادگرفتنی قبلی بر اساس مواجه مثبت یا منفی نسبت به موضوع مشخص، وضعیت، نهاد یا فردی معین. نگرش سازه‌ای مشتمل بر چند بعد شامل لذت بردن از درگیر شدن در تکالیف، چه در تجارب تحصیلی و چه در زندگی روزمره باورهای فرد در مورد ارزش و اهمیت ریاضی و میزان ترس از رویارویی با موقعیت‌هایی است که مستلزم به کارگیری دانش است (اکیدی، ۱۳۹۸). علاوه بر مفهوم نگرش، مفهوم خود یا خود پنداره در این نظریه از اهمیت برخوردار است. بندورا (۱۹۸۶) بر این باور است که خود پنداره و خودکارآمدی دو مفهوم متفاوت از خود است (پاچارس و میلر ۱۹۹۴) خودکارآمدی عبارت است از قضاوت فرد از اطمینانی که به توانایی‌های خود دارد. در حالی که خودپنداره، توصیف از خود ادراک شده‌ی فرد است. خود یا من به منزله‌ی موجود فرد کوچکی در درون ما نیست. انسان خویشتنی ندارد که رفتار او را کنترل کند، بلکه این خویشتن نشان‌دهنده‌ی ادراکات و برداشتها است. دیدگاه شناختی اجتماعی به اجتماع و تجربیات فرد و همچنین به توان شناختی او در شکل‌گیری «مفهوم خود» توجه دارد. خود در دیدگاه شناختی اجتماعی محصولی است که نقش واسطه‌ای بین جهان درون و بیرون ایفا می‌کند. خودپنداره ترکیبی از باورها، فرضیات و پنداشته‌هایی که هر فرد در مورد خود دارد (به نقل از محسنی ۱۳۸۵).

نظریه‌ی شناختی اجتماعی بر این باور است که انسان به جای یک خود دارای چندین خود می‌باشد که احتمالاً از زمانی به زمان دیگر تغییر می‌یابد. براساس این خودها یک الگوی سلسله و چندوجهی از خود پنداره ارائه نموده‌اند که در آن «خود پنداره کلی» به دو مولفه «خود پنداره تحصیلی» و «خودپنداره‌ی غیر تحصیلی» تقسیم می‌گردد. خودپنداره‌ی تحصیلی خود شامل زیر مولفه‌هایی از قبیل خودپنداره‌ی ریاضی و علوم و است و خودپنداره‌ی غیر تحصیلی نیز شامل خودپنداره‌ی اجتماعی، خودپنداره‌ی هیجانی و خودپنداره‌ی بدنی می‌گردد. خودپنداره‌ی تحصیلی «متشکل از نگرش‌ها، احساسات و ادراکات مربوط به توانایی‌ها و قابلیت‌های تحصیلی فرد می‌باشد و بیانگر ترکیبی از عقاید و احساسات خود درباره‌ی عملکرد تحصیلی است» (لی، ۲، ۲۰۰۹).

پیشینه‌شناسی تحقیق

خودپنداره از موضوعات مهمی است که قبل از جنگ جهانی دوم و در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ علاقه شدیدی به آن در بین متخصصین و پژوهشگران وجود داشته است. پژوهش‌های متعدد حاکی از آن است که خودپنداره پایه و اساسی برای تمامی رفتارهای برانگیخته است. خودپنداره به «خودهای بالقوه» گفته می‌شود و این خودهای بالقوه به نوبه خود در رفتار، انگیزش ایجاد می‌کنند. خواستن و آرزو کردن چیزی به تنهایی نمی‌تواند انگیزش ایجاد کند. بلکه اعتقاد بر این است که می‌تواند فرد را برای رسیدن به هدف به تلاش وادارد. بنابراین خودپنداره می‌تواند یک خود بالقوه را ایجاد کند که آن خود بالقوه به نوبه خود پویایی‌هایی ایجاد کند که منجر به عمل گردد ولی خصوصیات سازمان‌یافته، یکپارچه و ویژه خود پنداره همیشه حفظ می‌شود. به‌طور کلی می‌توان خودپنداره را چنین تعریف نمود: خودپنداره تصویر یا تصویری از خود است که همواره با فرد است. و از آن برای معرفی خود و طبقه‌بندی رفتارها استفاده می‌کنند. نظریه‌پردازانی که این تعریف را به کار می‌برند معمولاً سه دلیل برای جامعیت آن ارائه می‌دهند:

خودپنداره ثابت و وحدت رفتار را در برمی گیرد.

خودپنداره برای تبیین رفتار هدفمندی که در طی دوران طولانی از زندگی صورت می گیرد، به کار برده می شود (برای مثال تصمیم گیری در مورد شغل)

خودپنداره به منظور کنترل خود در مواردی که افراد نشان می دهند که قابلیت و توانایی صرف نظر از پاداش ها را دارند و یا حتی داوطلبانه فرایندهای تنبیهی را به جای تشویق انتخاب می کنند به کار می رود، مانند پذیرش تنبیه برای ترک اعتیاد (شاملو، ۱۳۹۰: ۹۸).

خود ایده آل یا آرمانی مجموعه ویژگی های شخصیتی است که فرد دوست دارد واجد آن ها باشد. این تمایل ممکن است هدف فردی یا ذهنی باشد که فرد در تخیلش بخواهد به آن ها دست یابد و یا تصویری است که میل دارد به دیگران نشان بدهد. ایجاد آن ممکن است یا خیلی دور از واقعیت و یا غیرقابل دسترسی بوده و یا اینکه فقط کمی بهتر از تصویر خود باشد. پژوهش ها نشان داده است که در افراد نابهنجار و بخصوص اشخاص نوروتیک کشمکش بین خود و خود ایده آل بسیار زیادتر از افراد سالم است. جنبه جالب توجه خود ایده آل آن است که وقتی شخصی به آن می رسد راضی نبوده و متوقف نمی شود بلکه هدف های خود را بالاتر برده و مجدداً برای رسیدن به اهداف جدید تلاش می کند. به عبارت دیگر رضایت در تلاش برای رسیدن به ایده آل است نه الزاماً در تحقق خود ایده آل. احساس ارزش نسبت به خویشتن یک هسته مرکزی ثابت دارد که همراه با یک سلسله احساس ارزش های پیرامونی یک مجتمع را تشکیل می دهند. هر چه که خود ایده آل به خودپنداره فعلی خود نزدیک تر باشد، فرد احساس ارزشمندی بیشتری دارد و متعادل تر است (شاملو، ۱۳۹۰).

می توان گفت که خودپنداره برای متخصصان بهداشت روانی اهمیت خاصی دارد زیرا پندار فرد از شخصیت خود، تا اندازه زیادی تصور او را راجع به محیطش تعیین می کند. این دو عامل نوع رفتارهای او را طرح ریزی می نمایند. اگر تصور از خود مثبت و نسبتاً متعادل باشد شخص دارای سلامت روانی است و اگر برعکس خودپنداره شخصی منفی و نامتعادل باشد، وی از نظر روانی ناسالم شناخته می شود. پندار یا تصویری که فرد از خود دارد مسلماً برای وی اهمیت حیاتی دارد و سعی می کند که این تصویر را همواره حفظ کند. محور اصلی این خودپنداره عبارت است از نام شخص، احساساتش نسبت به اندام و بدن خود، تصور از کل بدن، جنسیت و سن. هسته مرکزی خودپنداره، شامل خصوصیات دیگری نیز هست که نمود غیرمستقیم تری دارد، مانند طبقه اجتماعی - اقتصادی، مذهب، پیشرفت های فردی و یا عوامل دیگری که او را از دیگران جدا می کند. خودپنداره همیشه قابل تغییر است، زیرا در اثر رابطه شخص یا محیط، پنداره او از وجود خودش دائماً تغییر می کند. این تغییرات در دوران کودکی خیلی زیادتر از دوران بزرگسالی است، اگر چه خودپنداره متغیر است، لیکن خود سعی می کند که حالت ثابت خود را حفظ کند و بنابراین در رفتار افراد بشر، ثبات و یکنواختی و توالی قابل ملاحظه ای وجود دارد. این حقیقت حتی زمانی که شخصی خود را کم ارزش و حقیر می پندارد نیز وجود دارد. فرد آنچه را با خودپنداره اش توافق ندارد قبول نمی کند و بخصوص وقتی که موقعیت خود در یک فرد به خطر می افتد، وی به شدت به مقابله و مقاومت می افتد و از تغییرپذیری احتراز می جوید (بیابانگرد، ۱۳۹۰).

نگرش، ساختار مبهمی دارد و اغلب بدون تعریف مناسبی به کار رفته است و لازم است که از لحاظ نظری توسعه یابد. واضح ترین مسئله در مورد نگرش ها اختلاف میان نگرش های اعتقادی و مدون است، زان و مارتینو دو رویکرد اصلی به تعریف نگرش را نسبت به درس داده اند:

(۱) یک تعریف ساده، نگرش را به عنوان میزان تمایل فرد توصیف می کند، یعنی نگرش، تمایل عاطفی فرد نسبت به ریاضی است. این نوع تعریف به عنصر شناختی در نگرش توجهی نمی کند.

(۲) یک تعریف سه مؤلفه ای که پاسخ های عاطفی، باورها و رفتار را مؤلفه های نگرش می داند. زان و مارتینو معتقدند از آن جا که نگرش دارای سه مؤلفه است، لذا نگرش سازه ای پیچیده ای است شامل احساسات افراد نسبت به ریاضی، باورهای دانش آموزان به درس ریاضی و همچنین رفتارهای افراد نسبت به درس که هر کدام از سه مؤلفه دارای جنبه مثبت و منفی می باشند. (زکی، ۱۳۹۰)

نگرش از سازه‌هایی است که با توجه به زمینه مورد استفاده آن تعاریف متفاوتی دارد، مثلاً در حوزه‌ی تعلیم و تربیت، نگرش در برگیرنده ابعاد شناختی، ارزشی، عاطفی و کنشی است که منظور از آن‌ها، به ترتیب، داشتن عقاید یا باور آگاهانه، اتخاذ جهت‌گیری عاطفی مثبت یا منفی فرد، زمینه هیجانی و احساسی فرد نسبت به موضوع مورد نظر و جهت‌گیری برای انجام یک رفتار ویژه است.

می‌توان نگرش را آمادگی قبلی برای پاسخ مساعد و نامساعد به شیء و هدفی دانست که بیانگر این واقعیت است که نگرش، همانند انگیزه، به رفتار، شکل و جهت می‌دهد، با این تفاوت که انگیزه نیروزا است و موجود زنده را در جهت رسیدن به هدف مطلوب سوق می‌دهد، اما نگرش فقط در او آمادگی ذهنی پدید می‌آورد و به وی نیروی فعال می‌بخشد. نگرش‌ها، مانند احساس‌ها و هیجان‌ها، فطری و ذاتی نیستند، بلکه آموختنی و اکتسابی هستند و برای فرد، مفاهیم و معانی معتبر و تعمیم یافته‌ای هستند که بر اثر تجربه یا شخص، شیء یا اندیشه خاص به دست می‌آیند (رستگار و همکاران، ۱۳۹۴).

آرمانی کیان و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان دادند بین مولفه‌های ذهن آگاهی و اهمال کاری تحصیلی با خود پنداره تحصیلی رابطه معنی‌دار وجود دارد. موسوی و بدری (۱۳۹۵) در تحقیقی دریافتند خودپنداره تحصیلی بر نگرش نسبت به مدرسه رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. ماهانتا^۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی گزارش کردند بین نگرش دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری مشاهده شد. در تحقیق دیگری نیز جمال الدینی^۴ و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند بین خودپنداره و نگرش تحصیلی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین سگر^۵ (۲۰۱۴) در پژوهشی مشاهده کردند بین خود پنداره و پیشرفت تحصیلی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بنابراین در این تحقیق در نظر داریم با توجه به اهمیت خود پنداره تحصیلی و نگرش تحصیلی دانش‌آموزان در پیشبرد فرایند یادگیری، به بررسی این دو مقوله‌ی مهم پرداخته و در نهایت به دنبال پاسخ این سؤال هستیم که آیا خود پنداره تحصیلی بر نگرش تحصیلی دانش‌آموزان تاثیر دارد؟

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع وهدف پژوهش، یعنی بررسی تاثیر خود پنداره تحصیلی بر نگرش تحصیلی دانش‌آموزان پژوهش حاضر توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی انتخاب شد. از نظر هدف کاربردی است چون از نتایج یافته‌ی این تحقیق می‌توان در حل مسائل استفاده کرد. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانش‌آموزان پسر پایه دهم شهر سراوان رشته ریاضی تشکیل می‌دهند که تعداد آنها ۱۱۰ نفر می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان و به صورت تصادفی ۸۶ نفر انتخاب شدند. ابزار پژوهش از دو پرسشنامه خود پنداره تحصیلی بر نگرش تحصیلی می‌باشد. برای سنجش خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان از پرسشنامه خود پنداره تحصیلی یی یسن چن (۲۰۰۴) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۱۲ سوال می‌باشد که بر اساس درجه بندی ۵ امتیازی تنظیم شده است. جهت سنجش نگرش تحصیلی دانش‌آموزان از پرسشنامه نگرش نسبت به تحصیل، اکبری ۱۳۸۳ استفاده شد. این پرسشنامه از ۳۰ سوال تشکیل شده است که بر اساس درجه بندی ۵ امتیازی کاملاً مخالف تا کاملاً موافق تنظیم شده است. پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ برای خودپنداره تحصیلی ۰/۷۶ و نگرش تحصیلی ۰/۸۳ بدست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار استنباطی همچون آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون با نرم افزار SPSS ۲۰ استفاده شد.

^۳. Mahanta

^۴. Jamaldini

^۵. Sagar

یافته ها

خود پنداره تحصیلی بر نگرش تحصیلی دانش آموزان تاثیر دارد.

جدول ۱ ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین خود پنداره تحصیلی بر نگرش تحصیلی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	نتیجه
خود پنداره تحصیلی بر نگرش تحصیلی	۰/۷۶**	۰/۰۰۱	رابطه مثبت و معنی دار

نتایج جدول ۱ در ارتباط با بررسی رابطه بین خود پنداره تحصیلی بر نگرش تحصیلی نشان می دهد که میزان ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۷۶ که در سطح ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد.

جدول ۲ نتایج مدل رگرسیون جهت پیش بینی نگرش تحصیلی توسط خود پنداره تحصیلی

متغیرها	نگرش تحصیلی					
	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	تحلیل واریانس	بتای استاندارد	سطح معناداری
خود پنداره تحصیلی	۰/۷۶	۰/۵۷	۰/۵۶	۱۹۰/۳۶	۰/۷۶	۰/۰۱

تحلیل رگرسیون نشان می دهد که خود پنداره تحصیلی ۵۶ درصد تغییرات نگرش تحصیلی را پیش بینی می کنند. این پیش بینی با توجه به F مشاهده شده ۱۹۰/۳۶ در سطح ۹۵ درصد معنی دار است.

نتیجه گیری و پیشنهاد

به دلیل کاربرد گسترده تحصیلات دانش آموزان در زندگی روزمره، یادگیری و آموزش به عنوان یک اولویت مهم جهانی برای دانش آموزان و معلمان درآمده است. به گونه ای که شایستگی در تحصیل بهترین پیش بینی کننده برای موفقیت های اقتصادی فرد در جامعه محسوب می شود. با این حال مشاهده می شود تحصیل کردن، از جانب دانش آموزان مورد بی توجهی و بی میلی قرار گرفته و برای بسیاری، همراه با احساسی قوی از شکست و مملو از خاطره ای سعی و خطا، سرخوردگی و ترس از «غلط درآوردن جواب» است. وقتی دانش آموزی دیدگاه مطلوبی نسبت به درس داشته باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که او در درس خود پایداری و مقاومت نشان دهد و در سطوح بالاتری مشارکت نماید. اگر دانش آموز به صلاحیت و شایستگی خود در درس اعتقاد داشته باشد، بهتر و بیشتر در فعالیتهای درسی و کلاسی شرکت می جوید و در پی فراگیری مطالب و موفقیت های تحصیلی خواهد بود. بالعکس دانش آموزان دارای باورهای منفی و پایین برای خود نسبت به فعالیت های آموزشی کلاس هم توجهی نشان نداده و خود را در زمینه های تحصیلی و کامیابی تحصیلی موفق نمی دانند. بنابراین ضرورت و اهمیت پرداختن به

موضوع تاثیر خود پنداره تحصیلی بر نگرش تحصیلی دانش‌آموزان بیش از پیش احساس می‌شود. بر این اساس هدف تحقیق بررسی تاثیر خود پنداره تحصیلی بر نگرش تحصیلی دانش‌آموزان تعیین شد. نتایج حاکی از آن است که خود پنداره تحصیلی بر نگرش تحصیلی دانش‌آموزان تاثیر دارد. یافته‌های پژوهش با تحقیقات آرمانی کیان و همکاران (۱۳۹۸)، موسوی و بدری (۱۳۹۵)، ماهانتا^۶ (۲۰۱۴)، جمال‌الدینی^۷ و همکاران (۲۰۱۴) و سگر^۸ (۲۰۱۴) مبنی بر اینکه خود پنداره تحصیلی بر نگرش تحصیلی دانش‌آموزان موثر است، مطابقت دارد. بنابراین چنین استنباط می‌شود که یکی از عوامل مهمی که در عرصه آموزش و پرورش مطرح می‌شود خود و بررسی کیفیت خود در میان افراد است. خود با درونی کردن باورها و گرایش‌های افراد پیرامون مثل والدین، آموزگاران و همسالان بوجود می‌آید و با تعامل فرد با محیط، باورهای شکل می‌گیرد. مدرسه یکی از محیط‌های مهم تعلیم و تربیت است که هر فردی بخش قابل توجهی از عمر خود را در آن صرف می‌کند. دانش‌آموزان با قرار گرفتن در این محیط، تصویری از خود تشکیل می‌دهد. هر فرد یک عقیده مخصوص و تصور ذهنی بر اثر تجارب شخصی و تاثیر دنیای خارج در او به وجود می‌آید و افراد یک نظر ثابت و پایدار از محیط و از شخص خود و از ارباب خود با محیط بدست می‌آورند و بر طبق آن مسائل زندگی را ارزیابی می‌کنند و برای مقابله با آنها به کوشش می‌پردازند. هر دانش‌آموز در مدرسه ارزیابی از توانایی و یادگیری خود در مقایسه با دیگران انجام می‌دهد که این ارزیابی می‌تواند تاثیر زیادی بر نگرش تحصیلی دانش‌آموزان در مدرسه داشته باشد خود پنداره تعمیم‌های شناختی بر گرفته از تجارب درباره خود است و یکی از هسته‌های اصلی آن رابطه با افراد مهم زندگی می‌باشد. از آنجایی که خودپنداره‌ی تحصیلی متشکل از نگرش‌ها، احساسات و ادراکات مربوط به توانایی‌ها و قابلیت‌های تحصیلی فرد می‌باشد و بیانگر ترکیبی از عقاید و احساسات خود درباره‌ی عملکرد تحصیلی است از این طریق بر نگرش تحصیلی دانش‌آموزان موثر است. به معلمان جهت تقویت خود پنداره و نگرش دانش‌آموزان پیشنهاد می‌شود که:

- ایجاد محیطی امن و آکنده از اطمینان و اعتماد در کلاس
- آگاه کردن دانش‌آموز به نحو مطلوبی از انتظاراتی که از او می‌رود
- فراهم کردن زمینه و شرایطی برای خودپنداره مثبت، احساس فردگرایی، شایستگی، کفایت، خودباوری و تحسین از خود، به نحوی که دانش‌آموز احساس کند، که خودش را دوست دارد.
- ایجاد روابط مثبت سالم با دانش‌آموزان، که در نهایت منجر به احساس پیوند صمیمانه شود. احساسی از پذیرش و مقبولیت، به ویژه در روابطی که مهم و اساسی قلمداد می‌شوند.
- ایجاد تعهد، هدف و انگیزه در دانش‌آموزان

^۶. Mahanta

^۷. Jamaldini

^۸. Sagar

References

- Akidi, Maryam; (۲۰۱۸) Measuring the attitudes and perceptions of undergraduate students and graduates regarding the role of the curricula of their field of study in acquiring job skills, job expectations and their chances of employment, *Studies and Research in Behavioral Sciences*, No. ۱, ۵۹-۷۴.
- Armani Kian Alireza, Topchi Khosrowshahi Vahid, Fathi Mehdi, Rostami Bahram, Fakur Ehsan (۲۰۱۸) Investigating the relationship between the components of mindfulness and academic procrastination with the mediating role of academic self-concept in medical students, *Development of Education in Medical Sciences*, ۱۲th year no. ۳۶, pp. ۳۱-۴۰.
- Biabanagard Esmail, (۲۰۱۰), *Psychology of Adolescents*, Tehran: Publisher: Farhang-e-Islami Publishing House.
- Jamaldini M, Baranzehi H, Farajpour N, S. Samavi A, ۲۰۱۴, **The Causal Relationship of Self-efficacy, Self-concept and Attitude towards Mathematics with Academic Achievement in Mathematics by Mediation of Approaches to Learning**, *International Journal of Review in Life Sciences* ۵(۲), ۴۱-۴۵
- Lee, Jihyun, ۲۰۰۹, **Universals and specifics of math self-concept, math self-efficacy, and math anxiety across ۴۱ PISA ۲۰۰۳ participating countries**, *Learning and Individual Differences*, ۱۹, ۳۵۵-۳۶۵
- Mahanta D, ۲۰۱۴, **Impact of Attitude and Self-Concept of the Students towards Mathematics upon their achievement in Mathematics**, *International Journal of Theoretical & Applied Sciences* ۶(۱): ۲۰-۳۵(۲۰۱۴)
- Mohseni Nik Shireh, (۱۳۸۵) *self-perception (from childhood to adulthood)*. Tehran: Ba'ath Publications.
- Momeni Mehmoui, Hossein; Safdari, Zahra; (۲۰۱۵) The relationship between academic attitude and motivation to progress with students' perception of curriculum quality, *Higher Education Curriculum Studies*, - No. ۱۳, ۱۰۱-۱۲۱.
- Mousavi Frank; Badri omran (۲۰۱۵) The relationship between metacognitive awareness and academic self-concept, attitude towards school and social adjustment of students, *Volume ۷, Number ۲۵, Spring*, Pages ۱۷۷-۱۹۰.
- Parsa Mohammad (۲۰۱۲) *Educational Psychology*, Tehran: Aghat Publications
- Rastegar, Abbas Ali; Mohammadi Hosseini, Seyyed Ahmad; Dehghani Soltani, Mehdi; (۲۰۱۴) The effect of the mental image of the academic credibility of the university on the attitude of students about increasing

academic performance: the moderating role of the quality of education, research and planning in higher education, No. ۷۵, ۸۳-۱۰۸.

Sagar M H, ۲۰۱۴, **Relationship between Self-concept and Academic Achievement among the Secondary School Students of Dhaka City**, International Journal of Interdisciplinary and Multidisciplinary Studies (IJIMS), ۱(۹), ۹۵-۹۸.

Shamlou Saeed (۲۰۱۳) Clinical psychology: with revisions and additions, Tehran: Rushd

Zaki Mohammad Ali (۲۰۱۸) Examining students' attitudes towards mathematics and its relationship with exam anxiety (case: male and female second year high school students in Isfahan city), Psychological Studies, Volume ۷, Number ۳, ۱۸۱-۱۵۳